

سرمقاله

پیامدهای حضور وزیر امور خارجه امریکا در کابل

محمد رضا هویدا

حضور جان کری وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا در افغانستان، در ابتدای سال روان خورشیدی، موضع دولت وحدت ملی را تقویت نکرد. وزیر امور خارجه امریکا، دولت وحدت ملی پنج ساله دانست و لوی جرگه را به عنوان مانعی برای ادامه عمر دولت وحدت ملی ندانست. او در نشست که در مورد تطبیق موافقتنامه همکاری های استراتژیک میان امریکا و افغانستان برگزار شده بود نیز شرکت کرد و بر ادامه همکاری های نظامی، اقتصادی و سیاسی امریکا از افغانستان تاکید کرد. وزیر خارجه امریکا بر حکومت داری خوب و اصلاحات انتخاباتی نیز تاکید کرد. جان کری گفت که مردم بر رهبران فاسد اعتماد نخواهند کرد و در چنین صورتی حکومت مشروعبیت خود را از دست می دهد. این مقام ایالات متحده امریکا بر ادامه حکومت دموکراتیک در افغانستان تاکید کرد و گفت رسیدن به تمام ارزش های دموکراتیک کار آسانی نیست. او گفته است که جامعه مدنی و حقوق بشر در افغانستان قابل معامله نیست و این دست آوردها از سوی ایالات متحده امریکا حمایت خواهد شد.

حکومت وحدت ملی، به نحوی محصول تلاش های جان کری، وزیر امور خارجه امریکا است. حضور او در این موقع که تلاش ها برای رسیدن به صلح با مخالفان از یک سو، و جنگ با آنها از سوی دیگر به شدت جریان دارد، و در عین حال دولت وحدت ملی نیز با سوال ها و ابهام هایی در مورد ادامه حضور خود از سوی برخی ها روبرو است. تأکیدی بر حفظ دستاوردهای دولت وحدت ملی است. این بدان معنا است که دولت وحدت ملی باید به هر صورتی که باشد، حفظ شود. این دولت برای بیرون شدن از یک بن بست خطرناک در انتخابات ریاست جمهوری به وجود آمد، ادامه آن نیز به خاطر حل بحران افغانستان توصیه شده است. به نظر می رسد که نمای چندانی برای تغییرات گسترده در شکل و شمایل دولت وحدت ملی وجود ندارد. اما توصیه هایی برای سران دولت وحدت ملی از سوی جان کری شده است. این توصیه ها نیز بیشتر مطوف به کمک های بین المللی به افغانستان است. کمک های جهانی در افغانستان به خاطر حیف و میل شدن در سیستم به شدت گرفتار فساد اداری در افغانستان، تا کنون بازدهی لازم را نداشته اند و نتوانسته اند از میزان فقر، بیکاری، مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم افغانستان بکاهند. لذا شماری از توصیه های جان کری به رهبران افغانستان، تشویق و ترغیب آنها به مبارزه با فساد و دوری از فساد برمی گردد. دولت افغانستان باید ثابت کند که توانایی جلب کمک های بین المللی را دارد و این کمک ها در چرخه فساد اداری در افغانستان حیف و میل نمی شود.

به طور کلی می توان به سه موضوع اساسی در افغانستان در حال حاضر پرداخت: اول موضوع جنگ است که در این روزها به شدت در حال داغ شدن است. در این میان حضور داعش در افغانستان جدیدترین و جدی ترین تحول است. داعش خطری آرام ولی جدی در افغانستان است که در حال سرپازگیری و تقویت مواضع خود است. هر چند مقامات نظامی و سیاسی در افغانستان سعی می کنند، خطر داعش را جدی جلوه ندهند، اما تحلیل ها از خطر کاملاً جدی این گروه تروریستی در آینده خبر می دهند. دوم موضوع صلح است که در این روزها به شدت در جریان است. هر چند گفتگوهای چهار جانبه به نتیجه ای نرسیده است و پاکستان نیز نتوانسته طالبان را به میز مذاکره بکشاند، اما روی خوش نشان دادن حکمتیار و تحولات دیگری که در این زمینه رخ داده، صلح را نیز به موضوع قابل بحث در حوادث روز افغانستان مبدل کرده است. سوم موضوع حکومتداری است که افغانستان در بیش از یک سال اخیر با چالش های جدی در این زمینه مواجه بوده است. افغانستان باید به هر صورتی که امکان دارد از این نوع حکومت داری که عواقب آن را شاهد بوده ایم بگذرد. پیشبینی امریکا از دولت وحدت ملی و تأکید بر مبارزه با فساد مواضع دولت افغانستان را تقویت خواهد کرد.

صلح و ختم جنگ برای هر شهروند افغانستان یک آرزو است، اما با گذشت هر روز راههای رسیدن به این آرزو پیچیده تر و دشوار تر می شود. در حالی که گفته می شود به زودی پنجمین نشست چهار جانبه برای گفتگو بر سر مسئله صلح در افغانستان، دایر خواهد شد، سفیر افغانستان در پاکستان گفته است که طالبان ادامه جنگ را بجای گفتگو برای صلح انتخاب کرده اند. این گفته ها نشان می دهد که روند گفتگوهای صلح در افغانستان بخوبی پیش نمی رود و امیدواری ها برای گفتگوی مستقیم و رو در رو با طالبان، بیهوده است و ما هنوز مسیر طولانی تا رسیدن به صلح و آرامش در پیش داریم.

گفتگوها و نشست های صلح همواره در غیاب نماینده های گروه طالبان برگزار شده است و آنها بصورت مستقیم نقشی در این گفتگوها نداشته اند و همواره گفتگو مستقیم با حکومت افغانستان را رد کرده اند. اکنون سؤال اصلی اینجا است که بدون حضور نماینده های طالبان آیا گفتگوهای صلح می تواند منجر به ختم جنگ در افغانستان گردد؟ آیا اشتراک کنندگان نشست های چهار جانبه می توانند طالبان را متقاعد بسازند که دست از جنگ بکشند و به روند صلح بیوندند؟ پاسخ روشن به سئوالات فوق می تواند مسیر ما را برای رسیدن به صلح نیز روشن کند و واضح بسازد که اعضای نشست های چهار جانبه، چه نسخه ای را برای آوردن صلح و ختم جنگ در افغانستان در نظر گرفته اند.

اما اگر به گفتگوهای صلح و نشست های چهار جانبه از زاویه ی دید مردم افغانستان نگاه کنیم، این گفتگوها و نشست ها هنوز نتوانسته است خواست ها و توقعات مردم افغانستان را بر آورده بکند و از نگاه مردم افغانستان در سال ۱۳۹۴ شورای عالی صلح را به منظور تأمین صلح در کشور و گفتگو با مخالفین مسلح، تاسیس کرد، اما با گذشت بیش از پنج سال، هنوز این شورا گام مهمی در راستای تأمین صلح بر نداشته است و عملکرد آن از سوی شهروندان کشور با انتقادات جدی مواجه است و ضعف صلح را مشاهده کنند.

صلح نباید یک رؤیا باشد!

مهدی مدبر



دیگر آنها شاهد قربانی شدن عزیزان شان توسط حمله های انتحاری گروه طالبان نباشند، گفتگوهای صلح باید گروه طالبان را وادار بسازد که تفنگ های شان را زمین بگذارد و حد اقل در وضعیت جاری نشانگر قرار داشته باشند و حملات انتحاری شان را متوقف بسازند.

اما هدف نهایی از گفتگوهای صلح باید ختم جنگ و وارد شدن به فاز دیپلماسی باشد. حکومت افغانستان و سایر اعضای نشست های چهارجانبه صلح، باید تلاش نمایند تا در قدم نخست بار سنگین جنگ را از دوش مردم افغانستان بردارند و جنگ را متوقف سازند و سپس برای دوام وضعیت در طولانی مدت، گفتگوهای دیپلماتیک را راه اندازی بکنند.

یکی از مولفه های اصلی صلح، تحلیل قوای نظامی طرف های درگیر جنگ و تمایل شان به زمین گذاشتن اسلحه و ترک مخاصمه است، هر دو طرف جنگ باید به اندازه کافی از جنگ خسته شده باشند و ادامه جنگ را به نفع شان ندانند، اما در قضیه ی افغانستان، گروه طالبان هنوز تمایل به حضور در پشت میز مذاکره با حکومت افغانستان نشان نداده است و در پاسخ، همیشه حملات نظامی و انتحاری خود را شددت بخشیده است و این نشان

تسا زمانیکه نتیجه گفتگوهای صلح در زندگی عادی مردم افغانستان تغییر بوجود نیابد و آنها همچنان قربانی خشونت باشند، حمایت مردمی از پروسه ی صلح نیز کم رنگ خواهد شد و از باورمندی به توانمندی دیپلماتیک گفتگو کننده های افغانستان نیز کاسته خواهد شد.

در واقع نتایج ضعیف گفتگوهای صلح نشانگر ضعف دستگاه دیپلماسی کشور است و این نکته را گوشزد می کند که ما توانایی تغییر بازی های دیپلماتیک را به نفع کشور و مردم خود نداریم و بعد از سالها وقت گذاشتن و مصارف هنگفت، هنوز در نقطه اول هستیم و هیچگونه پیشرفتی نداشته ایم.

صلح همچنانکه یک برنامه دولتی است که از سوی حکومت افغانستان به پیش برده می شود، باید یک پروسه مردمی نیز باشد و حمایت مردم را با خود داشته باشد. حمایت مردم زمانی به دست می آید که آنها باورمند شوند که مسیری را که گفتگوهای صلح طی می کند به نفع آنها است و سرنوشت آنها را تغییر خواهد داد.

گفتگوهای صلح باید منجر به ختم جنگ گردد! مردم افغانستان انتظار دارند که گفتگوهای صلح برای آنها آرامش و امنیت بیاورد و صلح را مشاهده کنند.

استراتژی امنیت

قسمت دوم



ثروت های مورد نیاز جهان هستند، افزایش می یابد. هر چه عده بیشتری از ملت ها، در تلاش برای ورود و بهره مندی از نظام اقتصادی جهانی باشند، برخی که دارای زیرساخت ها یا آموزش مورد نیاز جهت پذیرش تغییرات سریع اقتصادی هستند، از انتظارات سرکوب شده و وعده های غیر قابل تحقق بسیاری روبرو می شوند.

هر چه بلوک های اقتصادی منطقه ای رشد بیشتری پیدا کنند، تولید در برخی مناطق تمرکز بیشتری می یابد، که این امر اهمیت اختلال در عرضه از خارج را کم می کند.

هر چه هويت دوست و دشمن در نظام بین المللی مبهم تر و سیال تر شود و ملت ها به طرف اقتصادهای پیچیده تر و به هم وابسته تر پیش روند، کمک یا فشار اقتصادی در کسب اهداف امنیتی موثر نمی باشند. (۸)

هر چه هويت دوست و دشمن در نظام بین المللی مبهم تر و سیال تر شود و ملت ها به طرف اقتصادهای پیچیده تر و به هم وابسته تر پیش روند، کمک یا فشار اقتصادی در کسب اهداف امنیتی موثر نمی باشند. (۸)

هر چه هويت دوست و دشمن در نظام بین المللی مبهم تر و سیال تر شود و ملت ها به طرف اقتصادهای پیچیده تر و به هم وابسته تر پیش روند، کمک یا فشار اقتصادی در کسب اهداف امنیتی موثر نمی باشند. (۸)

هر چه هويت دوست و دشمن در نظام بین المللی مبهم تر و سیال تر شود و ملت ها به طرف اقتصادهای پیچیده تر و به هم وابسته تر پیش روند، کمک یا فشار اقتصادی در کسب اهداف امنیتی موثر نمی باشند. (۸)

هر چه موانع مبادله کاهش یابد و وابستگی متقابل اقتصادی افزایش یابد، میزان آسیب پذیری اقتصادی ملی نیز بیشتر شده و کنترل دولت کمتر می شود.

هر چه رقابت اقتصادی بین المللی افزایش یافته و انتخاب مواد خام، نیروی کار، محل تولید و بازارها متنوع تر گردد، احتمال این که یک حکومت یا شرکت بر اقتصاد جهانی سلطه پیدا نماید کاهش پیدا می کند.

هر چه یکنواختی و نفوذ متقابل اقتصادی افزایش یابد، آن دسته از کشورها و مناطقی که قادر یا مایل به ادغام در نظام اقتصادی جهان نیستند، بیشتر منزوی شده و به حاشیه رانده می شوند و شکاف بین فقیر و غنی به نفع کسانی که دارای بیشترین

بزرگترین معیار هماهنگ کننده توان جامع و فراگیر در رقابت های بین المللی خواهد بود. (۱۰)

۴- امنیت سیاسی- فرهنگی: امنیت دیدگاه سیاسی- فرهنگی به امنیت ملی، حفظ حکومت و ایدئولوژی آن و نیز هويت خاص جامعه است. درحال حاضر، بعد امنیتی مزبور با توجه به کاهش کنترل حکومت ها بر جوامع خود، ظهور جنبش های جدایی طلب، افزایش نیروهای نفوذ کننده متقابل، و چهارچوب های در حال تحول داخلی و خارجی، تحت فشارهای بی سابقه ای قرار دارد. حکومت ها و گروه های فرهنگی بیش از هر زمان دیگر در گذشته، هنگام بی جویی امنیت ملی مجبورند تغییراتی که خود آن ها را پدید نیآورده و یا انتخاب نکرده اند، را بپذیرند.

امروزه، گسترش بین المللی هنجارهایی چون دموکراسی، حقوق بشر، و آزادی در عرصه های اجتماعی و اقتصادی، به همسان سازی ارزش های سیاسی کمک کرده است. بسطیاری از حکومت ها قادر به برآوردن انتظارات جدید نیستند و فرهنگ ها نیز فاقد قدرت انطباق سریع می باشند. با توجه به هیجانات ریشه داری که معمولاً با این ناآرامی ها و برخوردها همراه است، ابهام قابل ملاحظه ای درباره بهترین راهبردهای مدیریت و مقابله با آن ها وجود دارد. (۱۱)

مهمترین فرضیه های امنیت سیاسی- فرهنگی عبارتند از: - همگام با افزایش آزادی و آگاهی داخلی، به خصوص در کشورهایی که فاقد سنت و زیر ساخت لازم برای تحلیل و جذب داده های کثرت گرایانه هستند، انسجام سیاسی و فرهنگی رو به کاهش می رود.

به تدریج که گروه های قومی در درون ملت ها تقاضاهای خود را برای خودمختاری تشدید می کنند، به نظر می رسد که ملت های بیشتر مایل هستند حاکمیت فرهنگی خود را در مقایسه با حاکمیت سیاسی فدا کنند.

همگام با افزایش رشد دیپلماسی چندجانبه خارجی و فشار گروه های دینفوذ داخلی، ملت ها نیز در زمینه اولویت های خط مشی فرهنگی و سیاسی داخلی و خارجی خود، بیشتر دچار تفرق گشته و ابزارهای کمتری برای پاسخگویی به هر دو جنبه دارند.

هر چه منطقه گرای و استاندارد شدن جهانی گسترش یابد، تمایز میان هويت های سیاسی - ملی کاهش یافته و تلاش برای یافتن هويت فرهنگی تشدید می شود.

همگام با کاهش کنترل حکومت ملی، انتظارات عمومی درباره آزادی دولت به جای دیگر متوجه می شود و حکومت ها بیشتر به منبع نمادین قدرت تبدیل می گردند.

کارتون روز

نویسنده: کبری



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۲۷-۷

